



در شماره ۳۰۷ عاشقانه -
 نوامبر ۲۰۱۰ - متن گفتگوی
 احمد آدم با هنرمند گرامی
 و پرقدر موسیقی ایران جناب
 سالار عقیلی انتشار یافت که
 متأسفانه به دلیل یک اشتباه
 کامپیوتری، بخشی از متن
 گفتگو به هم ریخته شده
 است. ضمن پوزش از جناب
 سالار عقیلی و خوانندگان
 عزیز، این متن گفتگو را
 دوباره در این شماره به چاپ
 می‌رسانیم.

دیگر، با سولفژ موسیقی و زمینه های علمی و کاربردی آن آشنا شدم که همه مرا به موسیقی ایرانی علاقه مند کرد. در هنرستان فقط موسیقی اصیل تدریس می شد و ما باید ساز تخصصی انتخاب می کردیم که من سنتور را انتخاب کردم. چهار سال سنتور نواختم و دیپلم سنتور را از همین هنرستان دریافت کردم. و از آنجا که به آواز ایرانی علاقه مند شده بودم، نزد استاد صدیق تعریف رفتم و آوازهای ایرانی را و در واقع ردیف ها را نزد ایشان کار کردم و آموختم و تقریباً هفت سال شاگرد ایشان بودم تا این که در سال ۱۳۸۰ وارد عرصه جدی هنر موسیقی ایرانی شدم. اولین کاست من تحت عنوان «عشق ماند» در سال ۱۳۸۰ با آهنگ سازی استاد ارشد طهماسبی به علاقه مندان عرضه شد.

احمد آدم : آلبوم بسیار موفقی هم

شد که من بعد از تولدم در فضایی بسر ببرم که مرتباً در آن صدای ساز و موسیقی به گوش می رسید، اما، نه موسیقی اصیل ایرانی. موسیقی ابعاد گوناگونی دارد و مرز نمی شناسد که بگوییم موسیقی فقط در یک حیطه بخصوصی خلاصه می شود. همان صدای موسیقی که در فضای خانه ما جاری بود مرا به موسیقی علاقه مند کرد و موجب شد تا به سازهایی که در خانه بود، دستی ببرم و توانستم هم پیانو و هم تمبک بزنم. سرانجام وقتی خانواده ام استعداد و علاقه ام را در موسیقی احساس کردند، مرا در شانزده سالگی به هنرستان موسیقی فرستادند. این هنرستان از سن ورود به دبیرستان شاگرد می پذیرفت و من وقتی به هنرستان رفتم هیچ چیزی از موسیقی اصیل نمی دانستم. در آن جا با استادانی چون امیر بیداریان، استاد درویش رضا منظمی، استاد رضا مهدوی و خیلی استادان

احمد آدم: آقای عقیلی من شخصاً از علاقه مندان صدا و موسیقی شما هستم و در طی این سالها فعالیت های شما را پی گیر بوده ام و آلبوم هایتان را شنیده ام و حال بسیار خوشحالم که این موقعیت به وجود آمد که بتوانم میزبان شما در هوستون باشم و شاهد اجرای کنسرت بسیار خوب شما و گروه راز و نیاز، واقعاً خسته نباشید.

شما متولد سال ۱۳۵۶ هستید، یعنی نسل بعد از انقلاب، چطور شد که به موسیقی اصیل ایرانی علاقه مند شدید و در این راه گام گذاشتید؟

سالار عقیلی: سلام عرض می کنم خدمت شما آقای آدم و همین طور خوانندگان محترم نشریه عاشقانه. علاقه مند شدن من به موسیقی به دلیل خانواده ام بود. برادرم پیانیست بود و پیانو و ارگ می زد، مادرم آواز می خواند و این ها همه باعث

بود. این همکاری شما با استاد طهماسبی در آلبوم های دیگر هم ادامه یافته است. چون می بینم که اخیراً هم با همکاری ایشان یک CD به بازار عرضه کرده اید.

سالار عقیلی: کارهای آقای طهماسبی خیلی زیباست و من آنها را دوست دارم. به علاوه ایشان با خواننده های محدودی کار کرده اند؛ یعنی خیلی گزیده کار می کنند. به همین دلیل هر کاری را که به من پیشنهاد کنند، با جان و دل می پذیرم. من روی چهار اثر با آهنگ سازی آقای ارشد طهماسبی کار کردم: «عشق ماند»، «سایه های سبز»، «سعدی نامه» - که آهنگش را آقای ارشد طهماسبی ساخته ولی گروه دستان آن را اجرا کرده است - و «عاشقی» که آخرین کار من است و به بازار عرضه شده و اجرا و آهنگ سازی آن با آقای طهماسبی بوده است.

احمد آدم: در اجرای موسیقی آلبوم هایتان و نیز کنسرت ها با چه گروه هایی همکاری داشته اید؟

سالار عقیلی: همان طور که خودتان می دانید من سه CD با «گروه دستان» دارم به نام های «سعدی نامه»؛ ساخته آقای ارشد طهماسبی، «به نام گل سرخ»؛ ساخته آقای حمید متبسم، «دریای بی پایان»؛ ساخته آقای سعید فرج پوری. در واقع من با گروه های مختلف کار کرده ام؛ با گروه دستان؛ با ارکستر ملی ایران به رهبری استاد فرهاد فخرالدینی؛ با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری آقای نادر مشایخی و نیز با گروه خودم به نام گروه «رازو نیاز» که آن را در سال ۱۳۷۴ تشکیل دادم. همچنین با گروه «آوای دوست» به سرپرستی خانم فریبا هدایتی؛ ارکستر ملل به رهبری آقای پیمان سلطانی؛ گروه «قمر» به سرپرستی آقای نوید دهقان که دو CD من با این گروه تا یکی دو ماه آینده به نام های «هوای آفتاب» و «یار و دیار» به بازار عرضه می شود که بسیار کارهای زیبایی است؛ و نیز گروه «وزیری» به سرپرستی آقای کیوان ساکت. به هر حال گروه های دیگری هم بوده اند که

در حال حاضر متبادر به ذهنم نیست.

احمد آدم: شما خواننده ارکستر ملی هستید، از نحوه ورود خود به این ارکستر و تجربه نان در این ارکستر بر ایمان بگوئید.

سالار عقیلی: کار با ارکستر ملی باعث شد که من در زمینه اجرایی و موسیقی تجارب خوبی کسب کنم، چون کار اجرایی بر روی صحنه، کار نسبتاً دشواری است و کار با یک ارکستر هشتاد نفره بر روی صحنه و صحنه گردانی آن اصلاً شوخی بردار نیست و از عهده هر کسی هم بر نمی آید. زمانی که آدم با یک ارکستر

تجربه بی رحم ترین معلم دنیا است، یعنی اول امتحان می گیرد و بعد درس را می آموزد.

احمد آدم: شما شیوه خوانندگی خود را چه نوع شیوه ای می دانید و آیا دوست دارید در همین شیوه آواز بخوانید؟

سالار عقیلی: به نظر من هر کس که آواز ایرانی می خواند باید به نحوی خود را مدیون و شاگرد استاد شجریان بداند، چون ایشان پدر آواز ایران است.

احمد آدم: حتماً منظورناتان کسانی است که



کنسرت سالار عقیلی و گروه راز نیار در هوستون

بعد از آقای شجریان آواز خوانده اند، چون قبل از ایشان استادان دیگری هم بوده اند.

سالار عقیلی: بله. منظورم آواز خواندن در گروه سنی ما جوان ترها و هم نسل های ماست. من در اوایل کار آواز خوانی ام سعی می کردم که سبک استاد شجریان را که همان سبک طاهر زاده هم هست، دنبال و اجرا کنم. به هر حال هنرمند در اول کار خود باید مقلد باشد تا بالاخره بتواند راه ویژه خود را پیدا کند. ولی سبک های دیگر را هم کار کرده ام، مانند سبک استاد بنان که خیلی هم به آن علاقه داشته ام.

اخیراً هم CD جدیدی به نام «مایه ناز» به بازار عرضه کرده ام

بقیه در صفحه ۷۴

که اگر دقت کرده باشید با همکاری همسرم، یعنی پیانوی خانم حریر شریعت زاده همراهی شده و ما این کار را به یاد استاد بنان و سبک ایشان انجام دادیم. اول قرار بود که فقط به یاد استاد بنان باشد ولی بعد تصمیم گرفتیم که به بقیه استادان هم بپردازیم.

ولی بهر حال با گذشت زمان هر چه جلوتر رفته ام، سعی کرده ام که سبک خودم را پیدا کنم و فکر می‌کنم که آن را هم یافته ام.

احمد آدم: بیشتر کنسرت های شما در

خارج از کشور بوده در حالی که آلبوم های شما در داخل ایران بسیار پر فروش بوده و مردم از آن استقبال کرده اند. به نظر می آید که در راه برگزاری کنسرت در ایران مشکلاتی داشته اید.

سالار عقیلی: خودتان می‌دانید که در حال حاضر وضعیت ایران برای هر کاری وضعیت مناسبی نیست، بخصوص برای کار موسیقی. مملکتی که دغدغه انسان هایش چیز دیگری است. یک زمانی بود که به موسیقی بها می‌دادند ولی با اوضاعی که بر کشور حاکم است تا حد زیادی کار کردن برای هنرمندان موسیقی مشکل شده است و باید این هنرمندان از هفت خوان رستم رد شوند تا بتوانند یک کنسرت اجرا کنند. من که خودم واقعاً هیچ به دنبال مجوز و این کارها نبوده ام، برای این که اصلاً حال و حوصله چنین کارهایی را ندارم و یکی از دلایلی که اکثر هنرمندان ما در خارج از کشور کنسرت برگزار می‌کنند این است که در آن جا نیازی به مجوز ندارند. من در ایران در یک شهرستانی قصد داشتیم که کنسرت اجرا کنم و با این همه پرونده هنری که دارم، باز هم از من می‌خواستند که برای

تأیید، یک فیلمی از کارم و گروهی که با آن کنسرت اجرا می‌کنم به آن‌ها ارائه دهم. خُب، این برای هنرمندی که سابقه مناسبی در کار هنری اش دارد واقعاً یک توهین است. اگر من کار هنری بد ارائه دهم مردم استقبال نمی‌کنند و اگر خوب باشد مخاطبینم چندین برابر می‌شوند. این است که کار هر کسی به خود او مربوط است که می‌خواهد چه بکند و چه بنوازد و چه بخواند. باید مسئولین یک فکری به حال صدور مجوز بکنند تا موسیقی دان‌ها این همه دچار مشکل نشوند.

احمد آدم: به نظر می‌رسد که موسیقی اصیل ایرانی در میان جوانان ایرانی، علاقه مندان کمتری دارد. چه می‌توان کرد؟

سالار عقیلی: در ایران، چه در کنسرت‌هایی که خودم اجرا می‌کنم و چه زمانی که در کنسرت‌های دیگران شرکت می‌کنم، می‌بینم که واقعاً شاید شصت، هفتاد درصد از مخاطبین ما، جوانان هستند. اما در این طرف دنیا، فرزندان ایرانی که در این جا بزرگ می‌شوند، با توجه به تفاوتی که سیستم و فضای این جا با ایران دارد، حال و هواشان فرق می‌کند. البته ما باید کارهایی ارائه دهیم تا جوانانی هم که در خارج از کشور پرورش می‌یابند به موسیقی ایرانی علاقه مند شوند؛ که جدیداً این اتفاق افتاده و من می‌بینم گروه‌هایی کارهای نوینی ارائه می‌کنند که خیلی خوب است، ولی به شرطی که آن اصالت‌های موسیقی حفظ شود و از بین نرود. البته باید به این مسأله در ایران هم توجه شود چون در حال حاضر موجی از موسیقی پاپ به راه افتاده است که ادامه آن برای نسل‌های بعدی نگران‌کننده است و باید ما و دیگر دست‌اندرکاران موسیقی کاری کنیم که علاقه جوانان به موسیقی ایرانی بیشتر شود و پرچم موسیقی اصیل ایرانی را برافراشته نگه داریم تا پایدار بماند و از بین نرود.

احمد آدم: به نظر شما نگرش مردم نسبت به موسیقی ملی و اصیل ایرانی باید چگونه باشد؟

سالار عقیلی: به هر حال در هر مملکتی موسیقی آن از رادیو و تلویزیون و سایر شبکه‌های مختلف سمعی و بصری پخش می‌شود. ولی متأسفانه در ایران، ساز را در تلویزیون نشان نمی‌دهند و یا موسیقی جدی و اصیل را. در حالی که اگر مثلاً همین اجرای ارکستر هشتاد نفره ملی ایران به رهبری آقای فرهاد فخرالدینی که استاد مسلم موسیقی ایرانی است، به صورت زنده از تلویزیون پخش می‌شد، می‌توانست خیلی مخاطب جلب کند بخصوص در میان قشر جوان. بنابراین این سیستم است که اشکال دارد. متأسفانه نگرش مردم نسبت به موسیقی درست نیست؛ چون آن را درست نمی‌شناسند. به عنوان مثال اگر شما ماشینی را نبینی و آن را شناسی که نمی‌توانی بگویی من از آن خوشم می‌آید و یا نه، یا تا غذایی را نخوری نمی‌توانی بگویی که از فلان غذا خوشم می‌آید یا نه. پس چیز ندیده و نامریی را نمی‌توان تعریف و یا تکذیب کرد. در مورد موسیقی هم همین طور است. باید آن را ببینید و بشنوید تا به آن علاقه مند شوید.

احمد آدم: همسر شما، خانم حریر شریعت زاده نیز نوازنده پیانو و دف هستند و کارشان هم بسیار زیباست و خاطره زنده یاد استاد معروفی را برای آدم زنده می‌کنند. همسر هنرمند داشتن چه تأثیری بر کار شما داشته است؟

سالار عقیلی: مسلماً از یک جهاتی خوب است و از جهاتی هم بد:

آن جا که عشق خیمه زند جای عقل نیست غوغا بود دو پادشاه اندر ولایتی

البته دوتا پزشک هم به عنوان زن و شوهر ممکن است با هم مشکل پیدا کنند، ولی به هر حال محاسن همسر هنرمند داشتن خیلی بیشتر از معایب آن است. فقط در این میان بچه ما تا حدودی فدا می‌شود و باید مرتب دست به دامن کسی شویم تا او را نگه دارد. همین امشب که در هوستون برنامه داریم خود شما دارید می‌بینید. خیلی وقت‌ها، هم من

روی صحنه هستیم و هم همسر و معلوم نیست که در این وسط تکلیف فرزند دو سال و نیمه ما چه می شود. بعضی وقت ها دلم برای پسر خیلی می سوزد و با خودم می گویم این بچه که گناهی نکرده است گیر ما افتاده است!

احمد آدم: همان طور که فرمودید، خودتان در خانواده ای هنرمند به دنیا آمدید و بزرگ شدید. امیدوارم که فرزند شما (ماهور) - که چه اسم زیبایی هم دارد - در آینده یکی از هنرمندان و معروفترین آنها برای نسل آینده باشد. چون می بینم که در دامان خانواده ای بسیار هنرمند چون شما و همسران رشد و کمال می یابد.

سالار عقیلی: ما سعی خود را می کنیم که این اتفاق بیفتد. خود او هم خیلی به موسیقی علاقه دارد.

احمد آدم: چطور شد که تصمیم گرفتید گروه «راز و نیاز» را تشکیل بدهید؟

سالار عقیلی: گروه «راز و نیاز» را بعد از آشنایی من با همسر - قبل از ازدواج - تشکیل دادیم. در آن زمان، همسر من پیانیست بود و شاگرد استاد جواد معروفی و من هم آواز می خواندم؛ البته خانواده هایمان با هم آشنا بودند و ما نیز با هم دوست بودیم و قرار شد که کنسرتی را به اتفاق هم اجرا کنیم و در واقع این اولین کنسرت رسمی من در ایران بود که به همراهی ایشان به نام «به یاد بنان» اجرا شد. قرار بود این برنامه در دو شب اجرا شود که با استقبال خوب مردم، یک شب دیگر هم تمدید شد. گروه «راز و نیاز» ابتدا گروهی سه نفره بود یعنی من و همسر و آقای آرش فرهنگ فر که تمبک می زد. بعد از آن قرار شد که این گروه را به پنج، شش نفر ارتقا بدهیم. خلاصه خیلی از نوازندگان آمدند و رفتند، و حالا بعد از ده، دوازده سال، این گروهی که شما می بینید، نوازندگانی هستند که با هم به انسجامی رسیده ایم و شاید چهار سال است



عکس از احمد آدم - هوستون

که هیچ عضوی نه از این گروه رفته است و نه به آن اضافه شده است.

احمد آدم: لطفاً اسامی آنها را بفرمایید و هم سازهایی را که می نوازند.

سالار عقیلی: همسر، خانم حریر شریعت زاده که در این کنسرت ساز دوم خود را که دف است، می نوازند؛ آقای فردین لاهورپور نوازنده نی؛ آقای بهزاد رواقی نوازنده تار؛ آقای آرش کامور نوازنده کمانچه؛ آقای کامران منتظری نوازنده تمبک. در تور امسال، ما یک نوازنده میهمان داریم به نام آقای حسین بهروزی نیا که نوازنده سرشناس بریت هستند و در واقع گروه این افتخار را دارد که در خدمت استاد بهروزی نیا است و تور آمریکا و کانادا را ما با همراهی ایشان اجرا می کنیم.

احمد آدم: شما به عنوان کسی که سال ها در عرصه موسیقی اصیل زحمت کشیده اید و خواننده هستید، چه پیشنهادی برای کسانی که می خواهند به این راه بیایند دارید؟

سالار عقیلی: آمدن به این راه خیلی ساده است. من خودم با نوار «عشق ماند» وارد این راه شدم. چگونه معرفی شدن یک هنرمند به مردم در مرحله اول خیلی مهم است. چون ممکن است آدم یک نواری پر کند و آوازی را بخواند ولی بین مردم هیچ جایی را باز نکند. یعنی شروع کار خیلی مهم است، اگر ضعفی هم باشد بعداً می توان جبران کرد و قویتر شد.

به نظر من باید موقعیت را به وجود آورد. می توان گفت کسی شانس می آورد که در مسیر شانس قرار بگیرد. یعنی باید کارت آنقدر خوب باشد که بتوانی خودت را در مسیر آن شانس قرار بدهی. اینکه با کی کار می کنی، کجا می روی، کجا نمی روی و با چه کسانی کنسرت برگزار می کنی، همه این ها مهم است. ولی نهایتاً این راه پر مخاطره ای است و خطرات زیادی دارد. من خودم بارها بلا سرم آمده و توصیه می کنم که آدم ها در این راه خیلی مراقب خود باشند. گر چو تو زشت و بی هنر بودم

ایمن از فتنه بشر بودم

یعنی اگر کسی هنری نداشته باشد از فتنه ها هم دور می ماند ولی هنرمندان در زیر ذره بین هستند و خطر هم دور و برشان زیاد است.

احمد آدم: از اینکه وقتتان را در اختیار ما و خوانندگان عاشقانه گذاشتید خیلی سپاسگزارم. به عنوان حسن ختام برای خوانندگان ما چه پیامی دارید.

سالار عقیلی: من کوچکتر از آن هستم که بخواهم پیامی بدهم، ولی خوبست که هنرمندان را حمایت کنند. اگر جایی برنامه ای اجرا می شود، با رفتن خود، آنها را حمایت کنند. چون هنرمندان در کشور ما واقعاً قشر مظلومی هستند.

احمد آدم: بخصوص هنرمندانی را که در کار اجرای موسیقی اصیل هستند.

سالار عقیلی: بله همین طور است.